داکتر س، خ، هاشمیان ۲۰۱٤/۰٦/۰۳

مروری بر مقالات آقایان هیرمند، سمیع و رهیاب

سهم گیری افغان ها در امور مملکت شان قابل تقدیر و امیدواری است و از مساعی متصدیان محترم پورتال وزین افغان جرمن آنلاین که نظرات مختلف افغان ها را موقع نشر می دهند نیز باید متشکر بود، زیرا ازین طریق است که می توان به مشکلات کشور خود پی برد، به اختلاف نظر در بین افغان ها ملتفت شد، و در حدود توان پیشنهاداتی برای اصلاح نواقص ارائه نمود.

تحقیق چار صفحه ای آقای (ف. هیرمند) پیرامون کلمهٔ فرانسوی " آماتور" و اصطلاحات معادل به آن مروج در زبان دری را مرور کردم و هر سطر و هر نکتهٔ آنرا مفید و آموزنده یافتم. در پهلوی اصطلاحات معادلی که آقای هیرمند برای کلمهٔ (آماتور) گزارش داده اند، یکی دیگر و عامیانه تر نیز رأیج می باشد و آن (شوقی) است، و تعریف زعیم یا کاندید شوقی همانست که آقای هیرمند خود شان ارائه کرده اند، یعنی کاندید شوقی با دادن وعده های میان تهی :
" انباری از قروض و دیون نسل موجود را بر دوش نسل آینده انتقال می دهد."
کاندید شوقی یا "بعضی از نامزد های عاقبت نه اندیش حین کامپاین انتخاباتی هر آنچه که برای جلب رضایت رأی دهندگان در دل تنگ ایشان بوده، به زبان آورده و ایفای آنرا متعهد می شوند."
کاندید شوقی "غافل از آنکه نه تنها قادر به بالا بردن سطح زندگی رأی دهندگان خویش نبوده، بلکه ناگزیر به کاهش این سطح زندگی نیز خواهد شد."
دو عنوان که در دو روز اخیر در میدیای افغانستان به خط درشت انتشار یافته ازین قرار است :

- اشرف غنی: اگر من در انتخابات برنده شوم، افغانستان را به یک کشور صادراتی مبدل می سازم.
- عبدالله عبدالله: اگر من در انتخابات برنده شوم، ولسوالی جاغوری را به ولایت ارتقا ء می دهم.

در مورد اصطلاح "حکمروا" به عرض می رسانم که در افغانستان این ترکیب با کمی تغییر، یعنی (حکمران) استعمال می شده است. نزد من فرامینی از امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان به عنوان پدرکلانم سید جعفر پاچا به حیث حکمران بهسود و حکمران شبرغان – و به عنوان پدرم در دورهٔ امانیه به حیث حکمران کنرها وجود دارند – چنین به نظر می رسد که در آن دوره ها سه رتبهٔ ملکی رایج بوده است:
نایب الحکومه – حکمران – حاکم.
در عصر سلطنت نادر شاه و اوایل سلطنت ظاهرشاه، اصطلاح حکمران متروک گردید و به عوض آن (حاکم اعلی) و(حاکم کلان) استعمال می شد. نایب الحکومه های افغانستان در عصر سدوزایی و محمد زایی در بخش های غربی و شرقی افغانستان از قبیل کویته، سند، پشاور، دیرهٔ اسمعیل خان و کشمیر (نواب) نامیده می شدند، یعنی اتباع اردو زبان افغانستان (نایب) را به (نواب) تبدیل کردند: پسران سردار پاینده خان هر کدام نواب عبدالصمد خان، نواب عبدالجبار خان، نواب محمد زمان خان و نواب محمد عظیم خان در ولایات مختلف افغانستان قرن نزدهم حکومت می کردند، و اخیرالذکر مدت کوتاهی هم امیر کابل بوده است. اصلاحات والی (به عوض نایب الحکومه و حاکم اعلی) و ولسوال (به عوض حاکم) بعد از قانون اساسی سال ۱۹٦٤ رایج شده اند.

****

جناب آقای محمد علی سمیع در مقالهٔ خود "مثلث مقدس ناممکن" را طوری تعریف کرده اند که گویا این مثلث سه ضلع دارد: "مرکز قدرت بودن" – "حفظ بانک های رأی قدیم" – و "حاصل نمودن کاندید های ناکام". ایشان می فرمایند که برای برنده شدن و کامیاب شدن در انتخابات، هر کاندید باید از یکی از اضلاع این مثلث منصرف شده و با حفظ دو ضلع دیگر آن، وارد در دور دوم انتخابات شود، ولی این کار، یعنی انصراف از یک ضلع مثلث "ناممکن" می باشد. اگر من درست فهمیده باشم، "در مرکز قدرت قرار گرفتن" برای یک کاندید چنین معنی دارد که کسانیکه با کاندید معامله سیاسی می کنند، آنها را در مرکز قدرت نمی پذیرد، بلکه در حاشیه قرار می دهد و مرکز قدرت را

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

برای شخص رئیس جمهور و دو معاونش حفظ می کند. "حفظ بانک های رأی قدیم"، یعنی حفظ و استحکام همه گروه هائی که در دور اول برای کاندید رأی داده اند تا کاندید رقیب آنها را نقاپد. و "حاصل نمودن کاندید های ناکام"، یعنی جلب شش کاندیدی که در دور اول ناکام شدند، جلب خود شان و جلب آرای شان.

آقای سمیع انصراف از ضلع اول را مفید و ممکن نمی خواند، زیرا به نظر او "رئیس جمهور آینده باید در مرکز قدرت قرار داشته و نقش سمبولیک نداشته باشد." انصراف از ضلع دوم را نیز مصلحت نمی بیند، چونکه اگر کاندید پیروان و حامیان سابق خود را از دست بدهد، میدان رقابت را می بازد. و انصراف از ضلع سوم را نیز مفید و عملی نمی بیند، زیرا تنها ازین طریق، یعنی جلب کاندید های ناکام است که کاندید پیشتاز به تعداد آرای سابق خود در دور دوم می افزاید.

در مجموع آقای سمیع خروج ازین طرح ایدیالی خودش، یعنی "مثلث مقدس ناممکن" را "ناممکن" خوانده و می گوید هر دو کاندید به منظور جلب آرای بیشتر با "تیوری بازی" وارد میدان رقابت می شوند و معتقد است که این "تیوری بازی" روی "اصل تیز هوشی و سریع العمل بودن مرد استفاده کنندۀ فرصت ها استوار می باشد."
از آنجائی که آقای محمدعلی سمیع در مقدمۀ این بحث جنبۀ "اکادمیک و پوهنتونی بودن" طرح خود را گوشزد نموده اند، من سعی کردم خود را با جنبۀ "اکادمیک و پوهنتونی بودن" آن آشنا بسازم و از آن چیزی بیاموزم، اما متأسفانه خود را در یک موقف غیر قابل قبول یافتم، زیرا علوم اجتماعیات و سیاست به ما می آموزنده که در مسایل اجتماعی هیچ مسئله ای "ناممکن" نمی باشد، خصوصاً که مسئله ای را از جنبۀ "اکادمیک و پوهنتونی بودن" آن تحت مداقه قرار بدهیم. به نظر من "تیوری بازی" راه حل این مشکل نیست، زیرا هر دو کاندید وهم تیم های کاری آنها اشخاص "تیز هوش و سریع العمل و استفاده کننده از فرصت ها" می باشند. شناخت جامعه، شناخت اشخاص و شناخت امکانات (زمان و مکان) هر مشکل را ممکن ساخته می تواند.

به نظر من در طرح ایدیالی "مثلث مقدس ناممکن" آقای محمدعلی سمیع، ضلع سوم آن، یعنی "حاصل نمودن کاندید های ناکام" قابل تأمل و هم قابل انصراف می باشد، زیرا این ضلع به مثابۀ یک کارد تیز دو لبه و برنده کار می دهد. به طور مثال، آقای داکتر عبدالله در تلاش بدست آوردن کاندید های ناکام، اول گل آغا شیر زوی را جذب کرد. گل آغا شیر زوی فاقد تحصیل و سواد حتی فاقد شهرت نیک است، او که مقام ولایت را به خاطر ریاست جمهوری (گنجشک نا گرفته) از دست داد، یگانه هدف او برای پیوستن به تیم عبدالله، دوباره بدست آوردن چوکی ولایت است. همه شنیدیم صدای مردمی را که از ارزگان و قندهار بلند شد و گفتند ما دوباره برای گل آغا شیر زوی و تیم عبدالله رأی نمی دهیم. داکتر عبدالله از قبول کردن گل آغا شیر زوی نام بد کمایی کرد و رأی سابق او را هم نصیب نمی شود.

شخص دومی که داکتر عبدالله قبول کرد آقای داکتر خلمی رسول است که ۱۱ فیصد رأی برده بود. اما آیا آن ۱۱ فیصد رأی که داکتر خلمی رسول کمایی کرده بود، به خاطر شهرت شخص خودش بوده یا به خاطر نام برادران کرزی؟ و صدای مردم قندهار هم شنیده شد که گفتند خلمی رسول بدون مشورۀ ما به تیم داکتر عبدالله پیوسته، ما دوباره برای او رأی نمی دهیم! قوم محمد زایی در کابل و قندهار در مجموع در حدود چهار هزار رأی به داکتر خلمی رسول دادند، و بعد از پیوستن او با تیم داکتر عبدالله همان دو هزار رأی نیز اینبار به نصف تقلیل یافته است. داکتر خلمی رسول اکنون فقط قیمت دو هزار رأی را دارد، و آنهم در حالت مخمسه قرار دارد. از جانب دیگر قندهاری های طرفدار برادران کرزی که در نوبت اول رأی بیشتر داشتند و آنرا به خلمی رسول دادند، اکنون به خاطر نفرتی که از محمود و قیوم کرزی در قندهار مستولی شده، تعداد رأی آنها تقلیل یافته، معهذا این تعداد به تیم داکتر عبدالله رأی می دهند، اما نه به خاطر داکتر خلمی رسول، زیرا داکتر خلمی رسول اکنون در نزد مردم قندهار به قیمت صفر شناخته می شود. صدای مردم بلوچ که یک کتلۀ بزرگ می باشد دیروز در مخالفت با محمود کرزی و در موافقت با داکتر اشرف غنی بلند شد، این وضع رأی دهی به نفع داکتر عبدالله را در قندهار متزلزل ساخته است. تغییرات بیشتری هم در ولایات پشتون نشین در شرف تکوین می باشد. اما خانم حبیبه سابق والی بامیان رأی زیاد از منطقۀ هزاره جات برای داکتر عبدالله کمایی می کند.

محمود کرزی در حدود یکصد هزار رأی در قندهار دارد، اما شخص کثیف، دزد و بدنامی مانند محمود کرزی را به خاطر یک صد هزار رأی او پذیرفتن، بدنامی ابدی را کمایی کردن است. محمود کرزی شخص قابل محاکمه می باشد: او فابریکه سمت غوری را قاپیده، ده ملیون دالر از کابل بانک دزدیده، ۱۰ هزار جریب زمین را به طور غیر

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

قانونی در قلب ولایت قندهار تصرف کرده و پروژۀ (شهرک عینو) را با ده هزار عمارت در یک قسمت آن زمین بنا نهاده، داکتر عبدالله با پذیرفتن محمود کرزی و یکنفر قاتل دیگر بنام امرالله صالح، معیار های اخلاقی را زیرپا کرده و تا زانو خود را در کثافات غرق ساخته، روشنفکر ملی گرای افغان برای داکتر عبدالله رأی نمی دهد.

در آغاز دور اول انتخابات محقق به پاکستان رفت و از دولت و استخبارات پاکستان برای برنده شدن تیم خود تقاضای کمک نمود. پاکستان شرط به رسمیت شناختن خط منحوس و تحمیلی (دیورند) را در میان گذاشت و قرار مسموع محقق با دادن چنین تعهدی به کابل برگشت. تعهد دیگر محقق به مردم جاغوری که رأی آنها را به قیمت ولایت ساختن ولسوالی جاغوری خرید، مردم افغانستان را تکان داده و این سؤال را به میان آورده که یک کاندید برای برنده شدن خود چقدر صلاحیت دارد و چقدر خرید و فروش کرده می تواند؟ محقق برای ماهی گرفتن از جاغوری، بیچاره عبدالله را به تاپۀ کثیف مذهب گرایی سیاه ساخت. محقق به منظور ایجاد تفرقه در حساس ترین منطقۀ افغانستان صدای تأسیس ولایت (جاغوری) را بالا کرد. آیا اکثریت مردم ولایت غزنی و ولایات همجوار غزنی این چنین یک تحول کاملاً سیاسی را که تسلط آخند های ایران را در قلب افغانستان تأسیس می کند، می پذیرند؟ ابداً نی !!!
با ذکر مراتب فوق، اینک می بینیم که انصراف از ضلع سوم مثلث طرح آقای سمیع، یگانه راهی است برای کسب مؤفقیت یک کاندید، اما طوری که در بالا اشاره شد، این ضلع دو لب تیز و برنده دارد:

- یک کاندید می تواند با قبول بدنامی ها در انتخابات برنده شود، ولی عمر و اقتدار حکومت او دیرپا بوده نمی تواند، زیرا لب دیگر کارد تیز و برنده به طرف خود او و برای بریدن خود او در حرکت افتاده است. این بود تحلیل من از "مثلث مقدس ناممکن" و البته سفارش خوب آقای سمیع که کاندید ها باید "تیز هوش، سریع العمل و فرصت شناس باشند"، باید در نظر گرفته شود.

****

مقالۀ سوم از جناب آقای حنیف رهیاب رحیمی تحت عنوان "انتخابات به دور دوم برده شد، خدا کند به دور سوم نرود" واضحاً با یک سلسله انتقادات بالای طرز کار دو کمیسیون انتخابات و اعضای آن شروع شده، حتی متن عنوان آن که می گوید "انتخابات به دور دوم برده شد" سؤال برانگیز است، زیرا بایست تصریح می کردند که کی و کدام دست ها یا مقامات انتخابات را به دور دوم بردند؟

آقای رهیاب رحیمی پیرامون تشکیلات کمیسیون ها می فرمایند:"
افرادی که برای پیشبرد این امر از بالا تا پائین نصب گردیده، فرمایشی، دستوری و مطابق اجندای معین صورت گرفته است، همه در یک کتگوری خاص قرار دارند و جناب رئیس جمهور افغانستان این ترکیب عجیب را به خاطر برآورده ساختن منافع و آرزوهای خاص خودش در انتخابات ...عملی نموده است."

نمی دانم آقای حنیف رهیاب چرا اظهار بیخبری کرده اند که این ترکیب عجیب را حامد کرزی و قسیم فهیم با تفاهم و اشتراک کامل ساختند، و بسم الله محمدی و یونس قانونی به حیث نمایندگان شورای نظار در انتخاب اعضای دو کمیسیون سهم فعال داشتند، اکنون که برادران کرزی رسماً در تیم داکتر عبدالله شامل شده "منافع و آرزوهای خاص جناب رئیس جمهور افغانستان" همه به نفع تیم داکتر عبدالله تصادف کرده است. در هیأت رهبری هر دو کمیسیون تعداد هواخواهان کرزی ها و شورای نظار (مشتمل بر تاجک، پنجشیری و هزاره) بیشتر از پشتون جا بجا شده، بنا برآن شکایت از چگونگی تشکیلات کمیسیون ها از جانب آقای رهیاب که یک تن از هواخواهان داکتر عبدالله می باشند، وجه منطقی افاده نمی کند.

اعتراض آقای رحیمی به ارتباط تقلب در اعمال یک عدۀ چشمگیر کار کنان کمیسیون ها البته قابل قبول همگان است، اما این تقلب در بین استخدام شدگانی رخ داده که در غرفه های رأی دهی مؤظف شده بودند، یعنی در طبقۀ پائین کمیسیون ها رخ داده و در طبقۀ رهبری کمیسیون ها سرایت نکرده است. باید تأمل کرد که همه استخدام شدگان عملیاتی کمیسیون ها افغان و اتباع افغانستان بوده در بین آنها پاکستانی و ایرانی وجود نداشت، تقلب ها در اثر اعمال نفوذ از بیرون کمیسیون، شاید از جانب نمایندگان کاندید ها، یا از جانب بعضی پایه های حکومت صورت گرفته باشد. اکنون وظیفۀ این حکومت فاسد است که متخلفین را مجازات کند. کمیسیون انتخابات فهرست متخلفین و خائنین، و همچنین نام مأمورین مقتدر دولت را که در امور انتخابات مداخله کرده اند، به حکومت سپرده، اما قرار مسموع دلیلی که حکومت فاسد آنها را افشاء و مجازات نمی کند یا نمی تواند، اینست که قرار مسموع اکثریت این خائنین به شورای

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

نظار و گروه های تاجک و هزاره تعلق دارد - گروه های پشتون، ازبک و نورستانی در اقلیت قرار دارند. تقاضای ملت ازین حکومت فاسد اینست که همه متخلفین را افشاء و مطابق قانون، یعنی به تناسب خیانت شان، مجازات کند. اما حکومت کرزی این کار را نمی کند و حکومت آینده نیز دوسیه ها را حفظ خواهد کرد. به نظر من کار کمیسیون های انتخابات، با در نظرداشت سنگینی بار و پیچیدگی اطوار آنها، قابل تقدیر است، زیرا توانستند نتایج انتخابات دور اول را با قناعت کاندید های پیشتاز اعلان کنند.

نکتهٔ دیگر در مدعیات جناب آقای حنیف رهیاب اینست که:
" پس از اینکه تیم داکتر عبدالله با بدست آوردن ٤٥ فیصد آراء در رأس قرار گرفت... و پس از مدت کوتاهی داکتر خلمی رسول با داشتن ۳۷ و ۱۱ فیصد آراء خود با او پیوست که فیصدی هر دو می شود ٥٦ اعشاریه ۳۷ فیصد، سؤال اینجاست که در قانون انتخابات کشور ما چرا این حالت پیش بینی نگردیده و ائتلاف دو کاندید یاد شده را که ٥٦ فیصد آراء را حایز می گردند، برنده اعلان نمی کنند و انتخابات را می کشانند به دور دوم."
خوشبختانه پیشبینی مجوزهٔ آقای حنیف رهیاب در قانون انتخابات هیچ کشور دنیا راه نیافته، زیرا کاندید ها در دور انتخابات میتوانند بنفع یکدیگر ائتلاف کنند، اما در ختم انتخابات رأی یک کاندید بنفع کاندید پیشتاز محاسبه نمی شود. دلیل آن اینست که معلوم نیست رأی دهندگان یک کاندید مغلوب دوباره به همان کاندید رأی خواهند داد یا خیر! بنا بر آن وقتی داکتر خلمی رسول در ختم انتخابات دور اول به تیم داکتر عبدالله پیوست، فقط خود او بحیث یک شخص و به قیمت یک رأی خودش ائتلاف کرده است، تا در دور دوم معلوم شود که هواخواهان او بار دیگر برایش رأی می دهند یا خیر! اخبار مشعر است که یک عده هواخواهان سابق داکتر خلمی رسول تغییر موقف خود را اعلان کرده اند.

نکتهٔ اخیر در مقالهٔ جناب آقای حنیف رهیاب رحیمی را به خاطری مطرح قرار می دهم که هموطن محترم ما درین مورد به طور عریان از تعصب قومی کار گرفته است. آقای رهیاب تصویر یک تن از کار کنان کمیسیون شکایات را با گلبدین حکمتیار و رئیس سابق (آی اس آی - پاکستان) نشر کرده و او را به خاطر همین تصویر و ارتباط عضویتش به حزب اسلامی حکمتیار، ملزم به خیانت کرده است، نام این شخص را نگرفته و در یک جا او را بحیث (رئیس دارالانشاء) معرفی نموده است. من این شخص را نمی شناسم، حتی نام او را نمی دانم. اما از قواره اش معلوم می شود که به قوم پشتون است و محمد محقق نیز در یک صحبت خود با (طلوع) از همین شخص (رئیس دارالانشاء) شکایت کرد و تقاضای بر طرفی او را نمود.

حالا به ماهیت جرم نظر می اندازیم:
اگر ظاهر شدن در تصویر با رئیس سابق (آی اس آی) جرم باشد، من در آرشیف ۲۷ ساله مجلهٔ آئینه افغانستان تصاویر ربانی، احمد شاه مسعود، مجددی، خالص، سیاف، مولوی محمد نبی، محمد محقق، داکتر عبدالله و حامد کرزی را با رؤسای سابق (آی اس آی) و زعمای پاکستان دارم، پس همه اینها خائن و ملزم بوده اند!؟ من یک سند دورهٔ جهاد را قبلاً نشر کرده ام که محمد محقق با امضاء خود امر اعدام ۱۲ نفر را صادر کرده است!
اگر عضویت در حزب سابق اسلامی حکمتیار در نزد آقای حنیف رهیاب جرم است، پس وزیر اقتصاد در کابینهٔ کرزی (عبدالهادی ارغندیوال) سابق وزیر مالیه حزب اسلامی که متهم به دزدی دو ملیون دالر از خزانهٔ حزب می باشد، و محمد خان سابق رئیس استخبارات حزب اسلامی که متهم به قتل صد ها نفر و تخریب یک گوشهٔ شهر کابل بوده و اکنون در مقام معاونی اول تیم داکتر عبدالله قراردارد و صد ها نفر دیگر از حزب اسلامی که در ائتلاف با حکومت کرزی در چوکی های چرب و هم در اردو مقرر می باشند، همهٔ اینها باید مجرم سجل شوند!؟
آقای محمد محقق در حال حاضر به حیث نزدیکترین و معتمد ترین همکار (ای اس آی) پاکستان در کابل شهرت دارند که قرار مسموع به رسمیت شناختن خط تحمیلی دیورند را نیز متعهد شده اند. محمد محقق در تلاش تجزیهٔ افغانستان، ۱۵ سال قبل اعلامیهٔ تأسیس (هزارستان) را نشر کرد اما خریدار کافی نیافت، آنگاه به گروه دیگری پیوست که می خواستند نام نامی افغانستان را به (خراسان) تبدیل کنند. اسناد این مطالب همه در میدیا نشر و در آرشیف ها ثبت شده است. بنا بر آن هرگاه اعمال گذشتهٔ افغان ها مورد ارزیابی قرار گیرد، محمد محقق در صدر فهرست قرار می گیرد.
آقایان محمد محقق و حنیف رهیاب بایست جرم مشخص و مشهود (رئیس دارالانشاء) کمیسیون شکایات را ارائه می کردند تا من نیز به تائید آنها از بر طرفی رئیس دارالانشاء کمیسیون شکایات، حمایت می کردم. در غیر آن گپ مفت و اتهام تعصب آمیز به کرسی نمی نشیند. رئیس و هیأت رئیسهٔ کمیسیون شکایات انتخابات باید اتهامات وارد شده بر رئیس دارالانشاء را تائید یا رد کنند تا مردم به واقعیت پی ببرند. و من الله التوفیق .
خدمتگار افغانستان – سید خلیل الله هاشمیان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ